بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز مبعث پیامبر اعظم (ص) - 27 /دی/ 1404

بسم الله الرّحمن الرّحیم

الحمد لله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابی‌القاسم المصطفی محمّد و علی آله الاطیبین الاطهرین المنتجبین الهداة المهدیّین سیّما بقیّة الله فی الارضین.

تبریک عرض میکنم به همه‌ی برادران و خواهران عزیزی که تشریف دارید و به همه‌ی ملّت ایران و به همه‌ی مسلمانان جهان، همه‌ی آزادی‌خواهان جهان، عید شریف و بزرگ مبعث را. ان‌شاءالله که یاد آن روز دلها را روشن کند، راه را به ما نشان بدهد، و بتوانیم از حقیقت مبعث استفاده کنیم.

روز بعثت رسول اکرم روز بسیار مهمّی است ؛ یعنی مهم‌تر از آن هیچ روزی را در طول تاریخ بشر نداریم. روز بعثت، در واقع، روز تولّد قرآن است ؛ قرآنِ سراپا حکمت و سراپا نور ؛ به تعبیر امیرالمؤمنین، روز «نور ساطع» است ؛ ایشان میفرمایند «النّورُ السّاطِع». (۱) روز تربیت انسان کامل است ؛ یعنی از این روز، برنامه‌ریزی برای تربیت انسانهای کامل که مصداق اتمّش ائمّه‌ی هدیٰ (علیهم السّلام) هستند، فراهم شد. روز نقشه‌ی تمدّن اسلامی است ؛ یعنی در این روز بود که در واقع، تمدّن اسلامی آغاز شد و نقشه‌ی عظیم و تاریخی و ماندنیِ آن که امروز هم در دسترس من و شما است، آن روز به عالمِ وجود آمد. و روز برافراشتن پرچم عدل و برابری و برادری است، و از این قبیل. فضایل روز مبعث را ماها نمیتوانیم بگوییم ؛ یعنی فهم ما، زبان ما، دل ما کوچک‌تر از آن است، قاصرتر از آن است که بتوانیم اهمّیّت بعثت پیغمبر را بیان کنیم. بله، امیرالمؤمنین میتواند بگوید، و فرموده. شما مراجعه کنید به نهج‌البلاغه ؛ خطبه‌ی دوّم نهج‌البلاغه درباره‌ی بعثت پیغمبر است که [خدا] او را چگونه مبعوث کرد و در چه شرایطی و با چه وضعیّتی ؛ در بعضی از خطب دیگر نهج‌البلاغه هم این معنا ذکر شده است.

من فقط یک نکته را در باب بعثت عرض بکنم که به درد امروز ما هم بیش از دیگر حرفهایمان میخورد و آن، این است که بعثت پیغمبر، مظهر تمدّن واقعی بشر است ؛ یعنی اگر بشریّت بخواهد به بهترین وجه زندگی کند، باید با برنامه‌ای که در بعثت ارائه شد [زندگی کند] ؛ با آن برنامه است که میتواند خوب زندگی کند.

امّا این حادثه، این رویداد، در کجا اتّفاق افتاد؟ بعثت در کجا و در چه شرایطی [اتّفاق افتاد]؟ بعثت در بدترین شرایط قابل تصوّر اتّفاق افتاد ؛ در میان مردمی که از لحاظ اخلاقی، از لحاظ عملی، از لحاظ فکر، از لحاظ دل، بدترین، شقی‌ترین، لجوج‌ترین، عصبی‌ترین، ظالم‌ترین، زورگوترین افراد در جوامع آن روز محسوب میشدند ؛ عربستان این‌جوری بود. امیرالمؤمنین (علیه السّلام) درباره‌ی شرایط آن روز میفرماید که «فَالهُدیٰ خامِلٌ وَ العَمیٰ شامِل» ؛ (۲) مشعل هدایت بکلّی خاموش بود، یعنی هیچ هدایت به حقایق پاکیزه‌ی عالمِ وجود وجود نداشت ؛ وَ العَمیٰ شامِل ؛ کوری هم عمومی بود ؛ یعنی امیرالمؤمنین یک چنین وضعی از مردم مکه و مدینه و آن حدودی که پیغمبر در آنجا مبعوث شد تصویر میکند. نادان بودند، بی‌سواد بودند، لجوج بودند، متعصّب بودند، فاسد بودند، متکبّر بودند ــ با همه‌ی این صفات پلیدی که در آنها بود، تکبّر هم بود ــ ظالم بودند، بینشان اختلاف طبقاتی بود. بزرگشان هم بد بود، کوچکشان هم بد بود ؛ ظالمشان، مظلومشان، غلامشان، اربابشان. در یک چنین فضائی مبعث به وجود آمد، اسلام متولّد شد، قرآن نازل شد ؛ در یک چنین فضائی.

خب اسلام بر پایه‌ی عقل و ایمان است. کلّ برنامه‌های اسلامی را با عقل و ایمان باید سنجید و فهمید و عمل کرد.

اینها نه عقل داشتند، نه ایمان. پیغمبر وارد این جامعه شد ؛ یعنی این بیانات الهی را، وحی الهی را، کلام خدا را برای یک چنین مردمی تلاوت کرد و توانست در طول مدّت سیزده سال ــ که سیزده سال زمانی [طولانی] نیست ــ از بین همین مردم، عمّار درست کند، ابوذر درست کند، مقداد درست کند ؛ از بین همین مردم!
معلّمی وارد کلاسی بشود که بچّه‌ها همه سربه‌هوا، بی‌هوش، بی‌توجّه، بی‌استعداد، بی‌علاقه‌ی به درس، بعد بتواند در ظرف مدّت معیّنی بچّه‌های شسته، رفته، آماده، باسواد، فهمیده تربیت کند ؛ این را شما در نظر بگیرید، این را هزاران برابر کنید، میشود وضع بعثت پیغمبر و مکه ؛ یعنی قوّت اسلام، قوّت دین الهی، قوّت احکام و معارف الهی این‌قدر است که میتواند از آن‌چنان انسانهایی، آن‌چنان شرافتهای بی‌نظیری را به وجود بیاورد. ابوذر کم‌انسانی نیست. همین ابوذر در دوران جاهلیّت این‌جوری بود، عمّار یک جور دیگر، آن یکی یک جور دیگر.

این حرف برای امروز ما مهم است. من میخواهم این ادّعا را بکنم، بگویم که امروز هم اسلام همین قوّت را دارد. امروز جوامع بشری به همان صفات مبتلا هستند منتها با ادبیّات دیگر، با شیوه‌ی دیگر ؛ همان ظلم آن روز، امروز هم هست ؛ آن تکبر، امروز هم هست ؛ آن فساد، امروز هم هست.

می‌شنوید دیگر در خبرهای دنیا در این چند ماه گذشته: جزیره‌ی فساد درست کردن، (۳) شوخی است؟ فسادهای اخلاقی، فسادهای عملی، ظلم، زور، زورگویی، دخالت، به هر کسی دستشان برسد بزنند، به هر کسی دستشان برسد، هر جا بتوانند چنگ بیندازند ؛ بشر همان بشر است منتها ادبیّاتش فرق کرده، ظاهرش فرق کرده. امروز با اُدکلن و کراوات و کت و شلوار و لباس قشنگ می‌آید وسط میدان ؛ همانها هستند، فرقی نکرده‌اند. امروز بشریّت ــ البتّه این را که میگوییم مال همه‌ی بشریّت نیست ــ در بسیاری از جوامع، بالخصوص غربی دچار این آفتند ؛ حق‌کشی میشود، ضعیف‌کشی میشود.

همان ابوجهل امروز هم هست، همان ابن‌مغیره‌ی مخزومی امروز هم هست. «اِنَّهُ فَکَّرَ وَ قَدَّرَ» درباره‌ی ابن‌مغیره است ؛ اِنَّهُ فَکَّرَ وَ قَدَّرَ * فَقُتِلَ کیفَ قَدَّرَ ؛ «قُتِلَ» یعنی مرگ بر او. «فَقُتِلَ کیفَ قَدَّرَ * ثُمَّ قُتِلَ کیفَ قَدَّرَ * ثُمَّ نَظَرَ * ثُمَّ عَبَسَ وَ بَسَرَ» (۴) تا آخر آیات مبارکه. امروز هم همانها هستند ؛ همانها هستند که دارند بر میلیون‌ها انسان حکومت میکنند، زیردستی‌ها را هم با خودشان به سمت جهنّم دارند میبرند. در قرآن درباره‌ی فرعون میفرماید: یَقدُمُ قَومَهُ یَومَ القِیامَةِ فَاَورَدَهُمُ النّار ؛ (۵) فرعون در روز قیامت، مثل همین دنیا که رئیس مردمش بود، آنجا هم رئیس است، جلودار است ؛ او را راه می‌اندازند طرف جهنّم و پشت‌سری‌هایش را [هم] میریزند در جهنّم. اینها خودشان دارند به سمت جهنّم حرکت میکنند، خودشان در معنای واقعی و ملکوتی، در جهنّم قرار دارند، مردمشان را هم دارند به سمت جهنّم میبرند. خب این دنیای امروز است.

اسلام همان اسلام است ؛ این اسلام، میتواند دنیای امروز را از این رو به آن رو کند ؛ میتواند. ما میتوانیم ــ ما، نه لزوماً من و شما ــ این طرف‌داران اسلام، معتقدان به اسلام، مؤمنان به اسلام میتوانند دنیا را از سراشیبی فساد به سمت ارتفاعات صلاح و نجات و شرافت بیرون بکشند ؛ میتوانند از طرف جهنّم بکشند به طرف بهشت ؛ امروز هم میشود. امروز هم میشود منتها یک شرط دارد: وَ لا تَهِنوا وَ لا تحزَنوا وَ اَنتُمُ الاعلَون ؛ «اَنتُمُ الاعلَون» یعنی همین: میتوانید دنیا را پشت سر خودتان راه بیندازید ؛ امّا کِی؟ «اِن کُنتُم مُؤمِنین» ؛ (۶) ایمان لازم است. خب من و شما یک ایمانی داریم الحمدالله، خدا را شکر، امّا این ایمان، ایمان ابوذر نیست ؛ عملمان را باید درست کنیم، کارمان را باید درست کنیم، دلمان را باید درست کنیم. اگر توانستیم این کارها را بکنیم، به نصیحت قرآن، به نصیحت اسلام، به نصیحت پیغمبر گوش فرابدهیم، به نهج‌البلاغه اهمّیّت بدهیم و عمل بکنیم، ما هم همان چیزی را خواهیم داشت که آن روز پیغمبر داشت، همان کاری را خواهیم توانست کرد که پیغمبر آن روز کرد ؛ میتوانیم دنیا را برگردانیم به سمت صلاح ؛ جوامع تحت سلطه‌ی همین آدمهای ناباب را میتوان تبدیل کرد به جامعه‌ی پیشرفتِ

انسان‌ساز، اگر چنانچه ان‌شاءالله «اِن کُنتُم مُؤمِنین» تحقق پیدا کند. بایستی مراقبت کنیم، به آنچه میدانیم عمل کنیم، از گناه پرهیز کنیم. ایمان امروز ما ایمان ابوذرساز نیست. البتّه خوشبختانه در جمهوری اسلامی، به صورت فردی، افراد ابوذرگونه داشته‌ایم ؛ [از قبیل] همین شهدای بزرگ، نامدار و بعضی حتّی گمنام ؛ اینها هستند امّا جامعه باید تغییر پیدا کند، صلاح باید سراسر جامعه را فرابگیرد.

خب، روز مبعث چنین روزی است، چنین ایمانی عرضه شد و کسانی که آن را قبول کردند، کسی مثل امیرالمؤمنین بود ؛ علیّ‌بن‌ابی‌طالب (علیه السّلام) این ایمان را قبول کرد، جناب خدیجه این ایمان را قبول کرد ؛ در درجه‌ی اوّل، کسان دیگری نبودند. خب حالا این راجع به مبعث بود که عرض کردیم.

من میخواهم چند جمله راجع به این فتنه‌ی اخیر عرض بکنم. یک فتنه‌ای واقع شد، یک مقداری مردم را اذیّت کرد، آزار داد، به کشور ضرر زد ــ فتنه است دیگر ــ بعد هم به توفیق الهی، به دست مردم و به دست مسئولان و مأموران وقت‌شناس و کاربلد، بحمدالله این فتنه خاموش شد. باید فتنه را بشناسید. من اینجا چند مطلب را میخواهم عرض بکنم: اوّل اینکه ماهیّت فتنه را بفهمیم ؛ اصلاً این فتنه چه بود، برای چه به وجود آمد. دوّم اینکه ابزار عامل این فتنه چه بودند، چه کسانی بودند ؛ ظاهرش را که نگاه میکنی یک جوانی است، امّا قضیّه چیست؟ یک مطلب دیگر راجع به این [است] که ما در مقابل این کاری که دشمن ما با ما کرد، چگونه موضع میگیریم و چه کار میکنیم. چند مطلب را کوتاه عرض میکنم.

اوّلاً ماهیّت فتنه. این یک فتنه‌ی آمریکایی بود. واضح بود ؛ آمریکایی‌ها برنامه‌ریزی کردند، فعّالیّت کردند. هدف آمریکایی‌ها هم ــ این را من قاطع، صریح، با تجربه‌ی چهل‌وچندساله‌ی در جمهوری اسلامی عرض میکنم ــ بلعیدن ایران است. این سلطه‌ای که اینها بر این کشور داشتند، به دست مردم، به دست جوانها، به دست آحاد مردم در سراسر کشور و با رهبری امام بزرگوار از بین رفت ؛ و از اوّل انقلاب تا امروز، اینها به فکرند که این سلطه را برگردانند ؛ یعنی باز ایران را تحت سلطه‌ی نظامی خودشان، تحت سلطه‌ی سیاسی خودشان، تحت سلطه‌ی اقتصادی خودشان قرار بدهند ؛ هدف این است. این مربوط به رئیس‌جمهور فعلی آمریکا (۷) هم نیست ؛ این مربوط به این شخصی که الان رئیس‌جمهور است، نیست ؛ این مربوط به سیاست آمریکا است. سیاست آمریکا این است که کشوری با این خصوصیّات را در یک چنین مرکز حسّاس جغرافیایی، با این امکانات، با این وسعت، با این جمعیّت، نمیتوانند تحمّل کنند ؛ چنین کشوری، با این پیشرفتهایی که دارد از لحاظ علمی، از لحاظ فتاوری در بخشهای مختلف میکند، برای آمریکایی‌ها قابل تحمّل نیست. همان «اِنَّهُ فَکَّرَ وَ قَدَّرَ * فَقُتِلَ کیفَ قَدَّرَ»: نشست فکر کرد [که چه کند]. اینها نمیتوانند تحمّل کنند. این مربوط به آنها است.

البتّه در گذشته وقتی فتنه‌ای از این قبیل ــ که خب فتنه‌های متعدّدی داشته‌ایم ــ در کشور اتّفاق می‌افتاد، غالباً مطبوعاتی‌های آمریکا، سیاسیّون درجه‌ی دوّم آمریکا یا کشورهای اروپایی دخالت میکردند ؛ در این فتنه این خصوصیّت بود که شخص رئیس‌جمهور آمریکا، شخص خود او، در این فتنه دخالت کرد، حرف زد، اظهارنظر کرد، تهدید کرد، فتنه‌گران را تشویق کرد ؛ پیغام داد از آمریکا به این کسانی که حالا بعد خواهم گفت چه کسانی بودند، که بروید جلو، نترسید ؛ گفت از شما حمایت میکنیم، حمایت نظامی میکنیم ؛ یعنی خود رئیس‌جمهور آمریکا، وارد فتنه شد و جزو فتنه است. یک عدّه، یک تعدادی، این مجموعه‌ای که تخریب کردند و آتش زدند و رفتند و کارهای خلاف کردند و آدم کشتند، اینها را [به عنوان] ملّت ایران معرّفی کرد ؛ یعنی تهمت بزرگی به ملّت ایران زد ؛ گفت اینها ملّت ایرانند و من میخواهم از ملّت ایران دفاع کنم. اینها جرم است. این دلایلی که عرض کردم، دلایل مستندی است، یعنی هیچ چیز پنهانی وجود ندارد ؛ آشکارا گفت، آشکارا حرف زد، آشکارا تشویق کرد. پشت سر هم مستنداتی داریم که کمک کردند ؛ هم آنها، هم رژیم صهیون، کمک کردند که حالا آن را هم مختصراً عرض خواهم کرد. ما

رئیس‌جمهور آمریکا را مجرم میدانیم ؛ هم به خاطر تلفات، هم به خاطر خسارات، هم به خاطر تهمتی که به ملّت ایران زد.

مطلب دوّم درباره‌ی عوامل فتنه است و اینهایی که در صحنه بودند ؛ اینها که بودند؟ اینها دو دسته بودند: یک دسته، یک جمعی که دستگاه‌های جاسوسی آمریکا و اسرائیل با دقّت اینها را انتخاب کرده بودند، پیدا کرده بودند، اغلب را خارج بُرده بودند، بعضی‌ها را هم در همین‌جا آموزش داده بودند که چه جوری حرکت کنید، چه جوری آتش بزنید، چه جوری ترس ایجاد کنید، چه جوری از دست پلیس فرار کنید ؛ پول حسابی هم بهشان داده بودند ؛ یک عدّه اینها بودند که اینها که سردسته‌ی این جمعیّت بودند، خودشان به خودشان میگویند لیدر ؛ «ما لیدرهای این جماعت هستیم» ؛ سردسته‌ها ؛ یک عدّه اینها بودند. بحمدالله تعداد زیادی از اینها بازداشت شدند، دستگیر شدند ؛ نیروهای نظامی و انتظامی و امنیّتی در این زمینه خوب کار کردند. عدّه‌ی زیادی از این عوامل خبیث و مجرم ــ که اینها مجرمند ــ دستگیر شدند.

دسته‌ی دوّم، با رژیم صهیونیستی و با فلان دستگاه جاسوسی ارتباطی نداشتند، نوجوان خامی است که با او حرف میزنند، تحت تأثیر قرارش میدهند، هیجان برایش به وجود می‌آورند ؛ جوانها هم هیجانی‌اند، نوجوان‌ها هیجانی‌اند، می‌آیند وارد میدان میشوند، کارهایی میکنند که نباید بکنند، شیطنت‌هایی میکنند که نباید بکنند. اینها پیاده‌نظامند ؛ مأموریّتشان این است که بروند به یک جایی حمله کنند: یک پاسگاه، یک خانه، یک اداره، یک بانک، یک مرکز صنعتی، یک مرکز برق ؛ مأموریّتشان اینها است. آن سردسته اینها را جمع میکند، هر کدامشان، ده نفر، بیست نفر، پنجاه نفر را جمع میکنند، راهنمایی میکنند که «باید بروید اینجا، این کار را بکنید و جنایت بکنید» ؛ و متأسّفانه میکنند. جنایات زیادی واقع شد. در این فتنه، همین عوامل نادان و ناآگاه با سردستگیِ آن عناصر خبیث و آموزش‌دیده، کارهای بدی کردند، جنایتهای بزرگی انجام دادند. ۲۵۰ مسجد را خراب کردند ؛ بیش از ۲۵۰ مرکز آموزشی و علمی را خراب کردند، از بین بردند ؛ به صنعت برق ضربه زدند ؛ به بانک‌ها ضربه زدند ؛ به مجموعه‌های درمانی ضربه زدند ؛ به فروشگاه‌های شامل ارزاق مردم ضربه زدند ؛ به مردم آسیب زدند. اینها چند هزار نفر را به قتل رساندند ؛ بعضی‌ها را با شدّتِ غیر انسانی، یعنی کاملاً وحشیانه، به قتل رساندند. به یک مسجدی حمله میکنند، چند نفر جوان میروند داخل آن مسجد که دفاع کنند، در مسجد را میبندند، مسجد را آتش میزنند، مسجد و آن چند نفر جوان در آتش میسوزند! من حالا عرض خواهم کرد که خود این، نقشه است، خود این جزئیّاتِ کار در یک نقشه‌ی عمومی از پیش آماده شده، فراهم شده، بنا گذاشته شده که این‌جور عمل کنند و این‌جور حرکت کنند. تعدادی از مردم کوچه و بازار را، مردم بی‌گناه را، دختر سه‌ساله (۸) را، مرد را، زن بی‌دفاع و بی‌گناه را کشتند. اسلحه داشتند ؛ هم اسلحه‌ی گرم داشتند، هم اسلحه‌ی سرد داشتند ؛ بهشان داده بودند. این اسلحه‌ها از خارج آمده بود ؛ برای همین آمده بود که بین عناصر فتنه‌انگیز تقسیم بشود و این جنایات به وقوع بپیوندد. خب، این هم عوامل فتنه ؛ عوامل فتنه اینها هستند.

البتّه ملّت ایران کمر فتنه را شکست. با حرکت میلیونی ملّت ایران در روز بیست‌ودوّم دی‌ماه، بیست‌ودوّم دی‌ماه [هم] یک روز تاریخی مثل بیست‌ودوّم بهمن شد ؛ یعنی بیست‌ودوّم دی‌ماه را ملّت ایران ساخت و یک افتخار دیگر بر افتخارات خود افزود. در روز بیست‌ودوّم دی، ملّت ایران در تهران با چند میلیون جمعیّت و در شهرهای مختلف با جمعیّت‌های انبوه و فراوان توانستند به دهان پُرگوی مدّعیان مشت محکمی بزنند. بحمدالله این کار را کردند، فتنه را خواباندند. [این] کار ملّت ایران است.

البتّه در مطبوعات وابسته‌ی به صهیونیست‌ها در دنیا ــ که غالب این خبرگزاری‌ها مال صهیونی‌ها است ــ آن عدّه‌ی معدود فتنه‌گر را بزرگ کردند، و گفتند اینها ملّت ایرانند ؛ [امّا] این جمعیّت عظیم مردم در تهران و شهرستان‌ها را

بعضی‌هایشان اصلاً اسم نیاوردند، بعضی هم گفتند چند هزار نفر! عادتشان این است، باید [چنین] بکنند ؛ عیب ندارد. واقعیّت غیر از این است ؛ واقعیّت همین است که شما دارید به چشم خودتان می‌بینید، در شهر خودتان یا در تهران مشاهده میکنید.

امّا مسئله‌ی رفتار ما. خب، ملّت ایران آمریکا را شکست داد. آمریکایی‌ها با مقدّمات فراوان این فتنه را راه انداخته بودند برای مقاصد بزرگ‌تری که قبلاً اشاره کردم ؛ این فتنه مقدّمه‌ی کارهای بزرگ‌تری بود. ملّت ایران [آمریکا را] شکست داد. بعد از آن جنگِ چندروزه در چند ماه قبل از این که آنجا ملّت ایران آمریکا را و صهیون را شکست داد، امروز هم آمریکا را به فضل الهی شکست داد. این درست است، امّا کافی نیست. بله، فتنه را خاموش کردیم، امّا این کافی نیست ؛ آمریکا باید پاسخگو باشد. باید دستگاه‌های مختلف ما از وزارت خارجه و دستگاه‌های گوناگون دیگر، دستگاه‌های مرتبط با این کار، دنبال کنند این قضیّه را. ما کشور را به سوی جنگ نمیبریم ؛ ما بنا نداریم کشور را به طرف جنگ ببریم امّا مجرمان داخلی را هم رها نمیکنیم. بدتر از مجرمان داخلی، مجرمان بین‌المللی‌اند ؛ آنها را هم رها نمیکنیم. باید با شیوه‌های خودش، با روش درست، این کار دنبال بشود، تعقیب بشود و به توفیق الهی ملّت ایران همان‌طور که کمر فتنه را شکست، کمر فتنه‌گر را هم باید بشکند.

مطلب آخر من. در این حادثه، در مبارزه‌ی با این فتنه‌ی آمریکایی و صهیونی، مسئولان انتظامی و امنیّتی و سپاه و بسیج حقیقتاً جان‌فشانی کردند، واقعاً جان‌فشانی کردند ؛ شب و روز نداشتند، تا توانستند فتنه را که با مقدّمات فراوان، با خرج هزینه‌ی فراوان دشمن به وجود آمده بود، بکلّی پاک کنند و از بین ببرند. مسئولین کشور هم همه همکاری کردند. ملّت ایران هم حرف آخر را زد و به طور قاطع قضیّه را تمام کرد، امّا با وحدت. من توصیه‌ی همیشگی را میخواهم عرض بکنم: اوّلاً وحدت بین مردم حفظ بشود ؛ دعواهای جناحی و سیاسی و خطّی و غیره بین مردم رواج پیدا نکند. با هم یکی باشید ؛ در دفاع از نظام اسلامی، در دفاع از کشور ایران، ایران عزیز، همه با هم باشند، در کنار هم باشند.

مسئولین هم ــ مسئولین ذی‌ربط در بخشهای مختلف هم ــ حقیقتاً کار کردند. رئیس‌جمهور محترم، (۹) و دیگر رؤسای کشور، فعّالیّت کردند ؛ وسط میدان بودند و کار کردند. این‌جور نباشد که چون بنده خبر ندارم از کاری که دیگری کرده، همین‌طور مدام ایراد کنم که آقا چرا چنین و چرا فلان [است] ؛ نه، همه کار کردند. من از اینکه به رؤسای کشور، به رئیس‌جمهور و دیگران در یک چنین شرایط مهمّ بین‌المللی و داخلی اهانت بشود، بشدّت پرهیز میکنم و نمیگذارم و منع میکنم، نهی میکنم کسانی را ؛ حالا ممکن است در مجلس باشد، ممکن است بیرون مجلس باشد، ممکن است هر جا باشد. قدر اینها را ما بدانیم ؛ قدر مسئولینی که وقتی یک چنین حادثه‌ای برای کشور پیش می‌آید، از مردم کناره نمیگیرند. گاهی ما در گذشته داشته‌ایم که مردم وسط میدان بودند، مسئولین تماشا میکردند، گاهی هم علیه مردم یک حرفی میزدند. این دفعه، نخیر، مسئولین در کنار مردم بودند، در بین مردم بودند، با مردم حرکت کردند، با همان هدف تلاش کردند، کار کردند. این باید قدرشناسی بشود ؛ این خیلی مهم است. توصیه‌ی مؤکد من نسبت به شخص رئیس‌جمهور و مسئولین قوا، رؤسای دیگر قوا و رؤسای فعّال کشور است ؛ بگذارید اینها کارشان را بکنند، تلاششان را بکنند و خدمت بزرگی را که بر عهده دارند انجام بدهند.

البتّه وضع اقتصادی وضع خوبی نیست ؛ معیشت مردم حقیقتاً مشکل دارد ؛ بنده میدانم این را. آنها هم در این زمینه‌ها بایستی دو برابر کار کنند. برای کالاهای اساسی، برای نهاده‌های دامی، برای ارزاق لازم، برای نیازهای عمومی مردم، مسئولین دولتی باید دو برابر همیشه کار کنند ؛ با جدّیّت بیشتری باید کار کنند ؛ در این تردیدی نیست. هم آنها وظایفی دارند، هم ما مردم وظایفی داریم ؛ باید به وظایفمان عمل کنیم. اگر ما به وظایف عمل کردیم، خدای متعال به کار ما برکت خواهد داد. پروردگارا! این برکت را به کار ما عنایت بفرما.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

1- نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۲
2- نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۲
3- جزیره‌ای خصوصی از جزایر ویرجین آمریکا که به عنوان مخفیگاه و پناهگاه برای قاچاق زنان جوان و دختران زیر سنّ قانونی، جهت سوءاستفاده از آنان مورد استفاده قرار میگرفت و بسیاری از مهمانان صاحب این جزیره، از سراسر جهان و از بالاترین سطوح جامعه بودند.
4- سوره‌ی مدّثر، آیات ۱۸ تا ۲۲ ؛ « آری، [آن دشمن حق] اندیشید و سنجید ؛ کُشته بادا! چگونه [او] سنجید؟ [آری،] کشته بادا، چگونه [او] سنجید. آنگاه نظر انداخت، سپس رو ترش نمود و چهره در هم کشید.»
5- سوره‌ی هود، بخشی از آیه‌ی ۹۸
6- سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۳۹ ؛ «و اگر مؤمنید، سستی مکنید و غمگین مشوید، که شما برترید.»
7- دونالد ترامپ
8- از جمله، ملینا اسدی، دختر سه‌ساله‌ی کرمانشاهی که به دست تروریست‌های مسلّح به شهادت رسید.
9- آقای دکتر مسعود پزشکیان